

جز ابطال انتخابات راه دیگری وجود ندارد

شتابزدگی دیروز برای برگزاری انتخابات
و تعویق امروز را چگونه باید تعبیر نمود؟!!

انتخاباتی که روی انتخابات
رستاخیز را سپید نمود توجهی
کردند؟!!

چگونه!!!
آیا بنظرات و عقاید مردم که
برای آنها دایه دلسوزتر از مادر
هستند در مورد شتابزدگی در
انجام انتخابات، در طرح دو
دوره‌ای بودن انتخابات، در نحوه
رای گیری و بطور کلی در نظام

قبل از انتخابات سخن از این
میرفت که هرچه زودتر کشور
باید نظام قانونی یابد و
نمایندگان ملت تعیین شوند و
مجلس شورای ملی تشکیل گردد.
استدلالی است صحیح و
سخنی است منطقی، ولسی

در صفحه ۵

آرمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

دوره پنجم سال یکم سه شنبه دوازدهم فروردین ۱۳۵۹ بهاء ۱۵ ریال

آمدن شاه خلع شده به مصر

گسترش خطر ناک توطئه علیه انقلاب ایران

آمدن شاه خلع شده به مصر
و جمع شدن خویشان و
گماشتگان بر گرد وی نشانه
شکل گرفتن و گسترده شدن
توطئه‌های بزرگ علیه انقلاب

ایران است. در برابر این
حرکت سنجیده و حساب شده
می‌باید واکنش مناسب ابراز
داشت. برپا کردن نمایش‌های
خیابانی و به هیجان درآوردن

توده مردم برای ابراز خشم و
نفرت درونی خود، برای
رویارویی با این حرکت و
دنباله‌های آن کفایت نمیکند.
برای پاسخگویی به این حرکت
باید عوامل برانگیزنده و همه
پسایندهای آن را واری و
شناسایی کرد و سپس برای
درهم شکستن دشمن به
تنظیم سازمان و به فراهم
آوردن و تجهیز نیرو پرداخت.
می‌باید راه مبارزه در شرایط
تازه را از نو بررسی و
طرح‌ریزی کرد و می‌باید نقاط
ضعف خود را به سرعت

دریافت و از میان برد. دشمن
با بهره‌گیری از امکان‌های
بسیاری که در اختیارش قرار
گرفته و با بهره‌گیری از
آگاهی‌های فراوانی که حاصل
کرده در مقام وارد آوردن
ضربه‌های شکننده برانقلاب
برآمده است، همه قرائن نشان
میدهد که دشمن زخم خورده
بر یاس مطلق خود غلبه نموده
و امیدهای مبهمی برای تجدید
حیات سراغ کرده و به انگیزه
این امیدها به حرکت درآمده
است. اگر حرکت دشمن با

در صفحه ۳

سر مقاله

آغازی دیگر

باید همگان از داوریه‌ایمان آگاه باشند

با استقرار جمهوری اسلامی در میهن به استقلال رسیده‌ای ما،
آزادی بگونه‌های جوهر پیشرفت مورد بیشترین توجه قرار گرفت.
مردمی که سالیان دراز اسیر دیکتاتوری بوده‌اند، لزوم دخالت
در سرنوشت خود را از راه آزادی اندیشه و گفتار و نوشتار و آزادی
انتقاد و حق رای بروشنی احساس کردند و جامعه‌ای که به نیرنگ
و تهدید، مارک تک حزبی خورده بود، بی‌امان گرداننده‌های
گونه‌گون جمع شد و حزب‌هایی با پشتوانه‌ی سال‌ها ایستادگی و
مبارزه آشکار و پنهان از نوجان گرفتند و حزب‌های دیگری بنابه
شرایط زمان پدید آمدند.

تنوع یکی از شرایط ضروری شکوفایی خرد و اندیشه بدیگر
سخن تحول آرمانهای انسان است.

آزادی در سرزمین‌های رها شده از سلطه‌ی بیگانه، حرکتی
در جهت گسترش رفاه و توزیع امکانات بین اکثریت مردم و تعدیل
قدرت‌های خصوصی برای افزایش قدرت ملی به سود مردم، تعبیر
می‌شود.

در چنین کشورهایی مردم باید در چنان شرایطی قرار گیرند
که از روی تفکر آزادانه هر رهنمودی را بپذیرند و قبل از هر چیز
باید احساس مسئولیت پدید آید. این احساس مسئولیت زمانی
بوجود می‌آید که مردم بطور واقعی نه بصورت مصنوعی بوسیله‌ی
نهادهای دیکتاتور در اداره امور جامعه دخالت داشته باشند و این
مهم شدنی نیست مگر در سایه‌ی وجود حزب‌ها و سازمان‌های
سیاسی.

ایرانیان بدانجهت که سالها دچار هرج و مرج بوده‌اند و یا اسیر
پنجه‌ی استبداد و ابسته، هیچگاه فرصت نیافته‌اند که طعم خوش
نظم ملی را که پی آمد آن آزادی است بچشند و بنابراین آزادی را
با مفهوم واقعی آن نشناخته و آنرا بیشتر به معنای رهایی از قید
استعمار می‌دانند.

صورت‌گهائی که بنام «سازمان دموکراتیک» با خط و خال
برای ما می‌آراستند، نهادهایی بودند که چه از نظر صوری و چه از
نظر معنوی با «مردم سالاری» فرسنگ‌ها فاصله داشتند.

آزادی بایستی بر مبنای نیاز اجتماعی و
سنت‌های ملی پدید آید تا دوام

یابد و در جهت پیشبرد جامعه باشد. باید وجدان ملی یعنی نیاز
و اراده جمعی خود را بگونه‌ی آمیزه‌ای هم‌آهنگ و پایدار در آورد
نظام استبدادی وابسته به بیگانه سپهر وسیله‌ای دست می‌یازد تا
مردم ما را از سازمان یافتن دور نگاهدارد زیرا که هستی خود را در
گرو پراکندگی و ناآگاهی مردم میدید، با اینهمه، برغم تلاش
اهریمنی گماشتگان نظام سلطنتی، بودند اندک شمار حزب‌هایی
که در سال‌های سیاه وحشت و اختناق بگونه‌ی سازمان‌های نهانکار،
باقی ماندند و هر از گاه به مبارزه با آن دستگاه جهنمی پرداختند و

در صفحه ۴

پیام نوروزی امام خمینی

پیام استقلال و آزادی پیام نظم و کار

امام خمینی در پیام خود به مناسبت آغاز سال ۱۳۵۹
اساسی‌ترین گرفتاریهای کشور را بر شمرده و راه برطرف
کردن آنها را نشان داده است. امام خمینی در این پیام مانند
همیشه روشن و قاطع سخن میگوید. جای تردید و ابهام باقی
نمی‌گذارد. امام در آغاز پیام خود استراتژی کل انقلاب ایران
را ترسیم میکند و با صراحت اعلام میدارد که باید «صراط
مستقیم اسلام و ملت را» دنبال کنیم. امام با این بیان به همه
آنها که بیهوده میکوشند مفهوم ملت را از اسلام جدا کنند
در صفحه ۵

دشواریهای دولت آینده ایران

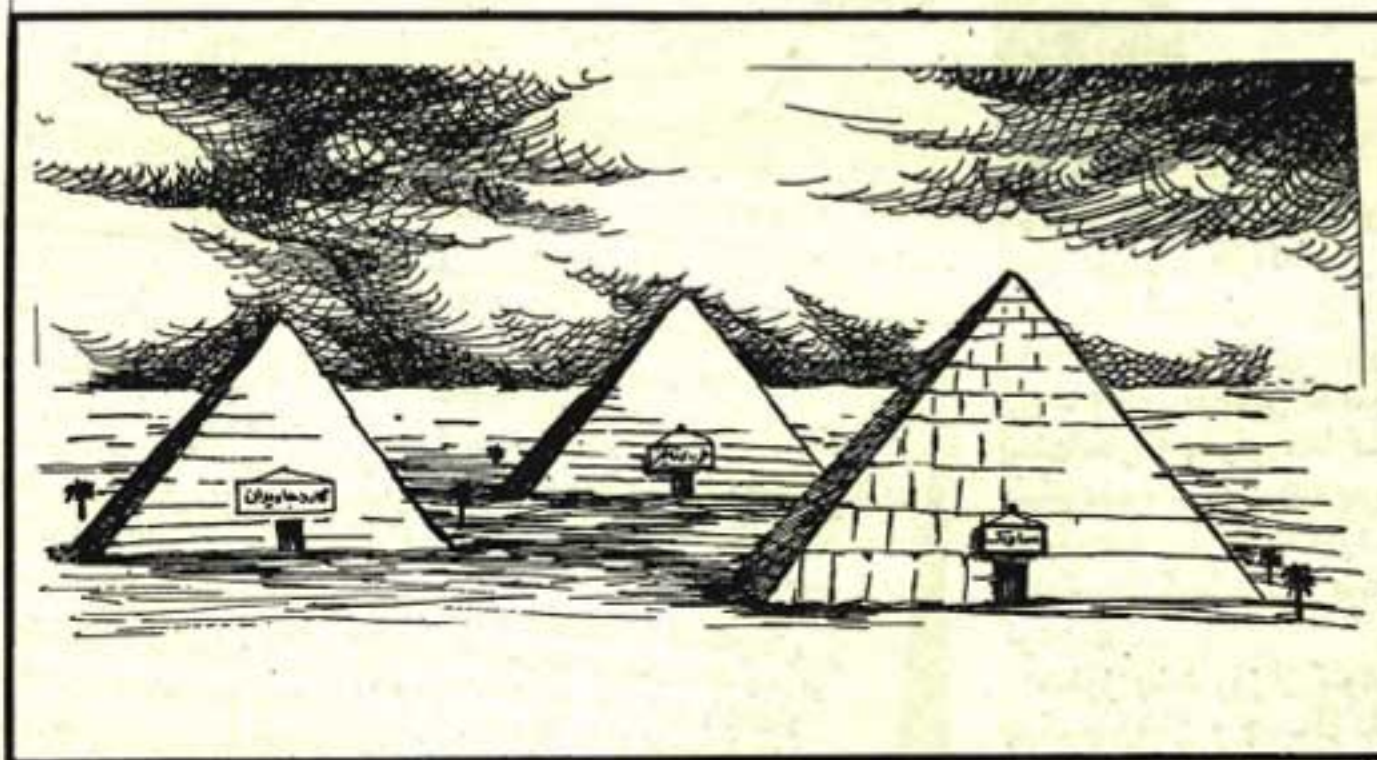
واقعیت

تردید ناپذیر

دوران ما،

بیداری توده

ایرانی است



فرخنده باد دوازدهم فروردین روز جمهوری اسلامی ایران

قرار داد که بی‌شک حیات آنها
در وابستگی‌ها شکل یافته بود و
در مرحله دوم ساختن نظام
مبتنی بر آزادی و عدالت را منظور
داشت که اصل استقلال به آن
جان میداد. بدیگر سخن نظام
جمهوری اسلامی بگونه هدف
سازمانی انقلاب اسلامی ملت
ایران و دربردارنده بیشترین
خواستهای اجتماعی و سیاسی
ساکنان میهن ما جانشین نظام
استبدادی گذشته شد که تمام

حرکت سیاسی مردم ایران
بدنبال سالها مبارزه و تلاش
سراجمام گسترش و تسندی
کم نظیری بخود گرفت و بگونه
یک «انقلاب» یعنی ایجاد
دگرگونی‌های بنیادی در تمام
ارکان جامعه درآمد.
این ریشه‌دارترین خواست
تاریخی و ملی ایرانیان هم صورت
و هم محتوا را دربر گرفت. در
مرحله نخست ویران‌سازی همه
نهادهای سلطه و ستم را هدف

در صفحه ۵

دولت آینده ایران با
دشواریهای روبرو است که در
تاریخ نظیری برای آن نمی‌توان
یافت راست است که انقلاب‌های
بزرگ جهان چون انقلاب چین،
روسیه، هند برای دولتهای
انقلابی دشواری‌ها پدید ساخته
بود ولی هیچکدام از آنها با
دشواریهای دولت ایران برابر
نیست راست است که دولتهای
شکست‌خورده در جنگ جهانی
دوم یعنی دولتهای آلمان و ژاپن
و ایتالیا دشواریهای حیرت‌آور در
برابر داشتند ولی آن دشواریها
هم بسیار کمتر از دشواریهای
دولت آینده ایران است.

و راست است که کشورهای
تازه به استقلال رسیده آسیا و
افریقا هر کدام با دشواریهای
بسیار روبرو بودند ولی آن
دشواریها نیز با دشواریهایی که
در برابر دولت آینده ایران است
هرگز قابل مقایسه نیست. میهن
ما در برابر مشکل‌هایی قرار

در صفحه ۶

آمدن شاه خلع شده به مصر

دشمن بابه‌گیری از امکان‌های بسیاری که در اختیارش قرار گرفته و بابابه‌گیری از آگاهی‌های فراوان که حاصل کرده در مقام وارد آوردن ضربه‌های شکننده بر انقلاب برآمده است.

درهای این گنج خانه برایشان گشوده شود. این سوداگران از یک یا دو کشور نیستند. همه کشورهای استعمارگر به فراخور قدرت خود سهمی داشتند. راست است که سرکرده این چپاولگران ایالات متحده آمریکا بوده است. ولی سایر کشورها نیز بی‌نصیب نمی‌بودند. از اروپا و آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین نیز بسیاری کشورها مستقیم و غیرمستقیم از نعمت بی‌دریغ میهن ما بهره می‌بردند. اینک همه این کشورها در رویای بازگشت دوران گذشته به انقلاب ایران با بغض می‌نگرند و هر صدائی از هر گوشه‌ای علیه انقلاب ایران برخیزد آن را به جان و دل می‌شنوند و تشویق و تقویت می‌کنند. اینک گروه عظیم سوداگران از شرق و غرب

ملت‌های بپاخاسته جهان آسیب آن را در پوست و خون خود احساس خواهند کرد. باید از وارد آمدن هر ضربه بر انقلاب ایران پیشگیری گردد و برای همه عناصر موثر در این جریان را بررسی نمود و در آماده‌سازی خود و نامید ساختن دشمن کوشش کرد. و ما در زیر عناصری که در وارد آوردن ضربه احتمالی بر انقلاب ایران منشاء اثر خواهند بود مورد شناسایی و رسیدگی قرار می‌دهیم و از همه دست اندرکاران نیز می‌خواهیم که این گفتگو را پایان یافته تلقی نکنند و می‌خواهیم که با همه توانایی فکری خود بدان بیندیشند و خطر را نیک دریابند و برای پیشگیری از آن همراهی می‌توانند نشان دهند. عناصری که احتمالاً در موفقیت خصم موثر می‌افتند بر دودسته بزرگ تقسیم می‌شود یکی عناصر خارجی و دیگری عناصر داخلی و ما در زیر به طور فشرده هر دو گروه را بررسی می‌کنیم.

اول عناصر خارجی:

دشمن که همه دوران حیات خود به بیگانه وابسته بود و برای استوار داشتن پایه‌های حکومتش از بیگانه یاری

رشد و قدرت یافتن انقلاب ایران بمعنای فناو زوال حکومت‌هایی چون مصر، عربستان سعودی عمان و از همه بالاتر عراق است.

می‌گرفت. اینک هم در خارج از مرزهای ایران برای ضربه زدن بر انقلاب اسلامی ملت ایران، در کار تدارک نیرو است. و در این تدارک از امکاناتی بهره می‌گیرد که اساسی‌ترین آنها از اینقرار است:

۱- قدرتهای سوداگر

سرزمین ایران خوان گشاده‌ای بود که همه سوداگران آژمند جهان از آن بهره می‌بردند و در آن سهمی داشتند. اینک انقلاب اسلامی ملت ایران سفره گشاده شاهنشاهی را برچیده و به تاراج سوداگران پایان داده است. سوداگران دیگر در این سرزمین سهمی ندارند. سوداگران جهان با حسرت و اندوه به ثروت‌های از دست رفته می‌نگرند و دور ماندن از این خوان نعمت سخت زرده‌شان ساخته است ایشان به یسار روزهای خوش گذشته هر تلاش که از دستشان برآید به کار می‌بندند تا بار دیگر

شیوه مناسب پاسخ داده نشود و اگر همه آرزوهای پلیدش با سرعت و قاطعیت به یاسی تازه مبدل نگردد، بی‌گفتگو بر تحرک و تلاشش افزوده خواهد شد و بی‌هیچ تردید خطری اساسی برای انقلاب ایران فراهم خواهد ساخت. ناچیز شمردن دشمن و بی‌اعتنا ماندن به تلاش و تکاپوی او و یا پاسخ دادن آن با هیاهو و غوغا نه تنها خطر را از میهن ما و از انقلاب ما دور نمی‌کند، بلکه بر قدرت و شدت آن می‌افزاید. با خیال خوش و با پندارهای غیرواقعی در کنار خطری چنین بزرگ و ویران ساز آرمیدن شرط خردمندی نیست. پیروزی‌های گذشته ما بر دشمن نباید ما را در قدرت خود و ضعف دشمن به اشتباه اندازد. دشمن در شرایط ویژه‌ای سرکوب و تار و مار شد ولی در شرایط دیگری می‌تواند نیروهای پراکنده خود را جمع‌آوری و تجدید سازمان کند و از نو، به توطئه دست زند. راست است که پیروزی و استقرار دشمن به موجب فرمان تاریخ غیرممکن می‌باشد.

و راست است که عوامل تعیین کننده در صحنه تاریخ، خواست و قدرت ملت می‌باشد ولی پیروزی کوتاه مدت دشمن و یا وارد آوردن ضربه‌های هستی‌سوز از جانب او دور از احتمال نیست.

تاریخ از اینگونه فراز و نشیبها فراوان عرضه کرده مسیر عمومی و کلی تاریخ یک چیز است و چین و شکنهای ریز و درشت سیاست چیز دیگری است. روند اساسی و بلندمدت تاریخ یک سخن است و دخالت و تأثیر آگاهانه انسانها بر شرایط اجتماعی و سیاسی سخنی دیگر. به استناد قواعد عمومی تاریخ و به اتکاء نظام حیات اجتماعی نمی‌توان اثرگذاری انسانها را در میدان سیاست و جامعه منکر شد. اگر دشمن موفق گردد که ضربه‌های برانقلاب ایران وارد سازد و یا برای مدتی، هر قدر کوتاه و هر قدر سست و گذرا، حاکمیت خود را بر ایران بازگسترد: بازتاراندن وی و آزادسازی دوباره ایران به چنان فداکاریها و چنان تلاشهایی نیاز دارد و چنان ضایعه‌ها و ویرانیهایی به دنبال دارد که بیان آنها از حد و وصف خارج است. باید علاج هر واقعه‌ای از اینگونه را از پیش فراهم کرد و باید نطفه هر توطئه و تلاش را در زهدان منهدم ساخت و گرنه باید قیمتی برای از میان برداشتن آن پرداخت که جبران آن تا پایان قرن حاضر میسر نخواهد بود و از این رهگذر نه تنها ملت ما به فاجعه دچار می‌آید که همه

۳- حکومت‌های وابسته به بیگانه در منطقه:

منطقه‌ای که میهن ما در آن قرار گرفته یکی از حساس‌ترین مناطق جهان است. این منطقه بی‌گفتگو از لحاظ ساخت اقتصاد و سیاست جهانی دارای اهمیت درجه اول است. از این رو کارگردانان سیاست و اقتصاد جهانی، حکومت‌های این منطقه را به دقت زیر نظر دارند و به طور طبیعی این حکومت‌های پریده از مردم بدون حمایت کامل آنان نمی‌توانند به آسانی برای مدتهای طولانی قدرت خود را نگاهدارند. حکومت‌های این منطقه از اجزای خواسته‌های فرمانروایان جهانی ناگزیر اند و خود این حکومتها نیز به طور طبیعی از انقلاب ایران در بیم‌اند و به آیین هر گونه مساعدت ممکن را به دشمنان انقلاب ایران عرضه خواهند داشت. رشد و قدرت یافتن انقلاب ایران به معنای فناو زوال حکومت هاست.

۲ نیروهای صهیونیستی:

نیروهای صهیونیستی به طور طبیعی از دشمنان اصلی انقلاب ایران‌اند. این نیروها فقط در اسرائیل جمع نیامده‌اند. راست است که اسرائیل یکی از پایگاه‌های اصلی آنهاست ولی تنها پایگاه ایشان نیست. این نیروها در بسیاری از نظام‌های سیاسی جهان رخنه کرده‌اند و این نظامها را چون اهرم‌هایی در خدمت منافع سیاسی و اقتصادی خود به حرکت در می‌آورند. این نیروها به طور قطع و یقین در حمایت از شاه مخلوع و دلگرم داشتن وی به تلاش بر خواهند خاست. این نیروها در هر کشور به طور طبیعی موافقان و مخالفانی دارند باید نیروهای صهیونیستی که شاه مخلوع را در پناه می‌گیرند و همچنین مخالفان آنان شناسائی شوند. و سپس از نیروهای مخالف آنان بهره‌برداری شود. دنیای سرمایه‌داران و سوداگران که همان دنیای صهیونیستها است انباشته از تضادها است. این تضادها یکی از اساسی‌ترین منابع قدرت نهضت‌های آزادبخش است.

بی‌خبر ماندن از آنچه در جهان و در برخورد‌های صاحبان سرمایه می‌گذرد کار را بر ما دشوار خواهد کرد. باید درست کردن تلاش سوداگران و صهیونیستها از رقبای آنان سود جست. اجرای این وظیفه را می‌باید از مأموران سیاسی و اقتصادی ایران در کشورهای دیگر

در میان دشمنان انقلاب ایران کینه تویتر و حیل‌گرتر از سادات به سختی میتوان سراغ کرد.

خواستار شد. و می‌باید ایشان را در این زمینه راهنمایی کرد و آموزش داد. این راهنمایی و آموزش نیز وظیفه دولت و به ویژه وظیفه کار بدستان سازمان‌های اقتصادی و بازرگانی کشور است.

۴- افکار عمومی جهان:

دشمن برای ضربه زدن به انقلاب ایران به همدستی افکار عمومی جهان نیاز دارد و

می‌باید پیشاپیش آن را برای ضربه‌ای که می‌خواهد وارد آورد آماده سازد. بدون آماده کردن افکار عمومی جهانی، وارد آوردن ضربه اگر محال نباشد، بسیار دشوار است. دشمنان رنگارنگ انقلاب ایران به ویژه صهیونیستها کوشیده‌اند و هنوز هم می‌کوشند که ارج انقلاب ایران را در چشم مردم جهان مستزلزل سازند و پارامی ندانم کاریها نیز بهانه‌هایی برای اجرای این خواسته به دست ایشان داده است.

بیشتر رسانه‌های گروهی جهان در اختیار محافل صهیونیستی است و از این رو متزلزل ساختن اعتبار اخلاقی انقلاب ایران در چشم مردم جهان، برای دشمنان ما چندان دشوار نیست و مدتهاست که وسایل تبلیغاتی صهیونیستی در متزلزل ساختن احترام انقلاب اسلامی ملت ایران تلاش می‌کنند و در این راه توفیق‌هایی هم یافته‌اند. اینک بر دولت و به

سرزمین ایران خوان گشاده‌ای بود که همه سوداگران جهان از آن بهره می‌بردند. اینک انقلاب اسلامی ملت ایران سفره گشاده شاهنشاهی را برچیده است.

ویژه بر عهده وزارت ارشاد ملی است که حقانیت ما و انقلاب ما را به گوش مردم جهان برساند و با سرعت آثار تبلیغاتی نامساعد دشمن را از اذهان مردم بزداید. مردم آزاده جهان طبیعی‌ترین یاران ما هستند، می‌باید آنها را به یاری خود به خوانیم و برای رسیدن به آیین مقصود باید ستم‌هایی را که بر ما رفته است با روشنی و با قدرت برای آنان بازگو کنیم. می‌باید آنان را به نادرست بودن تبلیغات دشمنان آگاه سازیم. اجرای این وظیفه چندان دشوار نیست.

۵- داد و ستدهای سیاسی جهانی:

دشمن در فروش منافع میهن ما و مردم ما دست گشاده‌ای دارد و به آسانی می‌تواند با وعده دادن قسمتهای از دارائی ملی ما به قدرتهای گوناگون سیاسی، نظر مساعد و یا لاقل بی‌طرف ماندن آنان را برای وارد آوردن ضربه تحصیل نماید. از اینرو باید با هشجاری روش سیاسی همه قدرتها را زیر نظر داشت و به گفتارهای تبلیغاتی آنان تکیه نکرد و در هر مورد قدرتهای سیاسی را از ضربه زدن به مردم ایران بیم داد.

۶- شخصیت حیل‌گر سادات:

در طول سالهای بسیار لطفاً ورق بزنید

سیاسی کشور را برای مانورهای لازم آموزش داد.

آمدن شاه خلع شده

بذریاس می‌باشند و در گوشه و کنار خرابکاری می‌کنند.

۲- نارسائیهای نظام اداری و اقتصادی کشور:

نظام اداری و اقتصادی کشور بعد از پیروزی انقلاب به اجرای رسالتهای انقلابی خود قادر نیامد. راست است که آنچه بر مامانده بود سرزمینی سوخته و اقتصادی پریشان و یک دستگاه اداری کم کار و پرخرج بود ولی از فردای پیروزی در درون ویرانه‌های اداری و اقتصادی ایران سرگردان ماندیم. از فردای پیروزی برای بازسازی ایران تلاش سازمان یافته‌ای صورت نگرفت از فردای پیروزی نارسائی دستگاه اداری و نظام اقتصادی کشور بیشتر شد. عوامل خوف‌آور گرانی و بیکاری بر زندگی خانواده‌ها آسیب بسیار رسانیده. بساط رفیق بازی و خویشاوند نوازی باشدتی حیرت‌آور در همه سطوح و همه زمینه‌ها گسترده شد. در سپردن کارها به اشخاص

سادات توانائیهای خود را در حيله گری نشان داده است. در میان دشمنان انقلاب ایران کینه توزتر و حيله گر تر از سادات به سختی می‌توان سراغ کرد. سادات یکی از مکارترین شخصیت‌های سیاسی است. چه قبل از ریاست بر حکومت مصر و چه بعد از آن سادات قدرت خود را در حيله گری به اثبات رسانیده است وی از همان نخستین لحظات ورود شاه مخلوع به مصر قدرت حيله گری خود را به کار انداخت و در فریب افکار عمومی جهانیان زمزمه تنها و مریض ویسی پناه بودن شاه مخلوع را آغاز کرد. حيله گری‌های سادات می‌تواند ناتوانیها و سفاهت‌های شاه مخلوع را جبران کند. انقلاب ایران حکومت سادات را بطور مستقیم در خطر قرار داده است. از اینرو بی تردید سادات با همه مکر و نیرنگ خود در خدمت دشمن است.

۷- قدرت‌های نظامی:

هم اینک همه مرزهای حساس میهن مارقدرتهای نظامی پرتوانی احاطه کرده‌اند. خلیج فارس و آب‌های نزدیک آن تماشاگر واحدهای بسیار سنگین رزمی است. پایگاههای نظامی فعالی در مراکز پراهیم استراتژیک منطقه ایجاد شده و واحدهای تدارکاتی کاملی در هر کدام از آنها در دست فراهم آمدن است. این واحدهای رزمی و تدارکاتی که با هزار تنه‌های گزاف در منطقه بسیج شده‌اند برای هواخوژی و سرگرمی نیست. وظیفه اصلی آنها محدود کردن انقلاب ایران و در صورت لزوم ضربه زدن بر آن است. باید حرکت این نیروها را زیر نظر داشت و بسا فراهم آوردن محیط سیاسی و روانی بین‌المللی مناسب از تلاش و گستاخی این نیروها جلوگیری کرد.

دوم- عناصر داخلی:

در داخل کشور نیز عناصر گوناگونی زمینه را برای ضربه وارد آوردن بر انقلاب ایران آماده می‌سازند. عناصر اساسی این بخش را میتوان به شرح زیر برشمرد:

۱- وابستگان مستقیم رژیم گذشته:

شامل واحدهائی از بقایای ساواک و لشکر گارد و گارد جاویدان که هم اینک خبر میرسد چند هزار نفر از آنان در مصر و چند هزار نفر در اسرائیل آموزش می‌بینند و خود را برای وظایف آینده‌شان آماده می‌سازند و گروه‌هایی از آنان هم در درون کشور

صدبار بدتر از کاپیتولاسیون است مورد مطالعه قرار می‌دهد.

۴- آشوبهای موضعی و منطقه‌ای:

دشمن در گوشه و کنار ایران کانونهای بحران و تشنج آفریده است و هر چند گاهی یکبار آتش تشنج و آشوب را از درون آنها شعله‌ور می‌سازد و سرزمین ایران را خونین می‌کند. هر چند گاهی یکبار در این گوشه و آن گوشه کشور کشتار و ویرانی می‌آفریند و برادران را رودر روی یکدیگر می‌کشد و آنان را به قتل یکدیگر وامی‌دارد. شمار کانونهای بحران و تشنج در طول یکسال گذشته فزونی یافته و علاوه بر این کانونها گاه و بی‌گاه در این سو و آن سوی میهن ما آتش‌افروزی می‌کنند. روزی در بندر لنگه روزی در تبریز و روزی در انزلی حادثه آفرینند و تکرار حادثه‌ها در زمانها و جاهای گوناگون باعث شد که

جلوه ثبات و استقرار متزلزل و کم رنگ شود. و از این رهگذر نظام اقتصادی و روانی جامعه به آسیبهای اساسی دچار آید.

۵- تفرقه‌افکنان انقلابی‌نما:

باطلوع آفتاب آزادی در افق ایران گروه و گروهکهای بسیار با پوششهای انقلابی در جو سیاسی ایران پدید آمد. کار اساسی این گروهها تفرقه‌افکنی، بهانه‌جویی، برهم زدن آرامش موسسات و کارگاهها و آموزشگاهها بوده است. این گروهها بر سر هر موضع کوچک و حتی بسیار کوچک به تحصن و گروگان‌گیری و اعتصاب پرداختند. از کار عادی کارگاهها و کارخانه‌ها و حتی کشتزارها جلوگیری کردند و به بهانه‌های گوناگونی گاه و بی‌گاه خیابانهای شهرها را به آشوب گرفتند و سازمانهای دولتی را اشغال کردند و در هر صورت نتوانستند کوشیدند که نظام اداری کشور را از اجرای وظایف عادی و جاری خود بازدارند. و بر همه اینها برچسب انقلاب و ترقی‌خواهی و یا حمایت از کارگر و دهقان بچسبانند.

آغازی دیگر

در این راه بر آن آسیبهای فراوان رفت. حزب ملت ایران بی آنکه دچار خود بزرگ بینی و افسانه‌پردازی شود و از گاهی، کوهی بسازد هر بازجویی کوچک را به حماسه‌ای مبدل سازد و بر هر زبونی، تعبیر و تفسیری انقلابی قائل شود بی گمان یکی از آن «شماراندک» است. پس از فروریختن «نظام آریامهری» همهی اندیشه‌هایی که بحکم ضرورت بایگانی شده یا در طیفی کوچک، بصورت پنهانی جریان داشت، در جامعه رخ نمود ولی بدلیل آنکه دست‌اندر کاران حکومت نتوانستند، فرهنگی پدیدارند تا بر خورد اندیشه‌ها و گفت و شنود بدور از خشونت و درگیری به وجود آید، انحصار طلبی گسترش یافت در فضای آزاد میهن تحمیل سلیقه و عقیده آغاز شد. پافشاری بر خواسته‌های جزئی و فردی، دسته بندی کردن، مارک زدن و از کرسی تعصب و صدور امریه «باید» سخن گفتن چهره پاک باشکوه انقلاب را افسرده و کدر ساخت. اندیشه و حیثیت انسانی و بالاتر از همه اینها، ایران تازه از بندرسته‌ی ما در خطر قرار گرفت در چنین فضائی ما که از دیرباز سر در راه استقلال و آزادی ایران نهاده‌ایم، دیگر تنها به پاسداری از انقلاب و دست آوردهای خونین آن پرداختن را جایز ندانستیم. زیرا که زمان، زمان رودر روی دشمن مکار یا دوست نادان و فریب خورده ایستادن است با تمامی شجاعتی که به گواه همستگران و یاران در همه سال‌های مبارزه نشان داده‌ایم. زمان آنستکه همگان از داوری‌هایمان پشیمان روی دادهای اجتمعا

آگاه باشند. زمان آنست که با پشتوانه‌ی آزمونهای گذشته بیش از پیش به یاری و پاسداری انقلاب سینه سپر سازیم و دشمنان را در هر لباس و با هر چهره بنمایانیم. از دیدگاه ما انتقاد در چهارچوب سود و سربلندی اجتماع به مفهوم ضد حکومت بودن و سهم طلبی از بساط قدرت نیست. ازین پس با انتشار نامه ارگان حزب، اندیشه و قلم همه ما بی‌امان برای خدمت به مردم در گردش خواهد بود. حزب ما بعنوان یک حزب ملت‌گرا و با آگاهی و پیوستگی کامل به هدفهای انقلاب اسلامی ملت ایران می‌کوشد چونان چراغی فراراه تاریکی‌ها و ایهام‌ها باشد. از نوید بیخا می‌برهیزیم و همچون گذشته خستگی‌ناپذیر و بدور از انحراف، وظیفه‌ی بزرگمان را که پاسداری از استقلال و آزادی است ایفا می‌کنیم و در این راه تسنها و تسنها به همدلی و پیوستگی‌های شما زنان و مردان ایران زمین دل بستیم.

تفرقه‌افکنان انقلابی نما در پوشش‌های گوناگون جلوه کرده‌اند گاهی بر خویشتن کسوت مذهبی پوشیده و زمانی آفرینش‌های فکری چین و روس و آلمانی و گویا و... را زینت‌بخش وجود خویش فرموده‌اند و بعضاهم در لوای مقدس‌ترین کتاب جهان دست به اسلحه برده و خون گرم و پاک مردان انقلاب را بر زمین ریخته‌اند. اصلی‌ترین ضربه‌ها را انقلابی نماها بر انقلاب وارد کردند. و ضربه‌های خود را در هر پوشش ممکن مخفی کردند. از حقوق کارگران و دهقانان و آزادی زنان و حق قومهای ایرانی گرفته تا صید ماهی و امتحانات استخدامی و مقاله فلان روزنامه و برنامه رادیو و تلویزیون هر کدام در زمانی و در جایی بهانه ایجاد تشنج و آشوب در دست انقلابی‌نماها بوده است. و کیست که در پس همه این دست‌وپازدنه‌های انقلابی چهره آلوده دشمن زخم خورده را در نیابد؟

۶- ناتوانیهای مدیریت

از فردای پیروزی نیاز به مدیریتی آگاه و مستحکم و پرتوان احساس میشد ولی بنحو روزافزونی ناتوانیهای مدیریت در بیشتر زمینه‌ها آشکار شد. نظام حکومتی از طرح‌ریزی و پی‌گیری سیاستهای درست و کارساز اقتصادی، پولی، صنعتی، کشاورزی، بازرگانی، آموزشی، اداری عاجز آمد. به جای پی‌گیری سیاستهای پخته، سنجیده و هم‌آهنگ تصمیم‌های پراکنده و ناجور گرفته شد. برنامه‌ریزی به بوته فراموشی افتاد و کار بدستان کشور در انبوه دشواریها سرگردان ماندند و کشتف و پرورش استعدادها که از وظایف اولیه مدیریت انقلابی است چون افسانه باطلی تلقی گردید و مسئولیتهای مدیریت و برنامه‌ریزی کشور چون غنیمت جنگی میان دوستان و بستگان و هم‌پالکیها تقسیم شد. مدیریت ناکارآمد به جای

رفع دشواریها، گرفتاری آفرید از هیچ و پوچ دشواری درست کرد و تا توانست در دسر به راه انداخت. از توزیع نفت و گوشت گرفته تا تعطیلات مدارس و ترخیص کالا از گمرکها و قیمت پرتقال و نارنگی و عرضه داشتن پودر لباسشویی و مایع ظرفشویی هر کدام به مسئله‌های مهم و مملکتی بدل شد. از سیاستهای زمین و مسکن و اشغال ساختمانها و مهمانخانه‌ها بهتر است چیزی نگوئیم که خواننده را حال دگرگون نشود. اینک از یک سو ایران مانده است با نظام اداری و اقتصادی پریشان و با کانونهای بحران و تشنج و باروان و اعصاب خسته جامعه و با چهره‌های غم‌زده و انقلابی‌های راستین و با پراکندگی گروه‌های و سازمانها و با مدیریتی ناتوان ناکار آمد و با بانگهای اعتراض گوناگون و با روحیه‌های ناامید و آزرده بسیاری از مردم توانا و از سوی دیگر خصم بدسرسخت همه اطراف ما را با حصار از قدرت آتش فرو بسته و گروه‌های بزرگ با تجهیز و تسلیح تمام به آموزش کشیده و در همه اقطار جهان حکایتها از نابسامانی و آشفتگی ایران بر زبانها افکنده و در درون ایران سازمان حکومت را به گیجی و کلافگی دچار نموده و بر سر هر کوی و برزن گروهی انقلابی نما به ستیغز و آشوب وا داشته. شریانه‌های حیاتی کشور را به رگبار خرابکاری بسته و در این میان سر کرده بزرگ خود را با کوله باری از تجربه و بند و بست نهانی و سیلی از پول به منطقه آورده و در میان گروه‌هایی از عزیزان و هوادارانش نشانیده است. در این میان بی‌کار نشستن و به دشنام بسنده کردن و نابسامانی کنونی را دنبال نمودن، تسلیم شدن به مرگ و فنا و ضربه زدن بر همه نهضت‌های مردمی جهان است. باید که بی‌درنگ به تلاش برخاست. تلاشی جانانه که حزب ملت ایران برنامه آنرا ارائه خواهد داد.

آرمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

دارنده امتیاز - امیرسلیمان عظیمی
زیر نظر شورای نویسندگان
خیابان سپند شماره ۲۶ طبقه سوم تلفن ۸۹۸۲۱۷

همرزم ارجمند دکتر مصطفی ملاذ

با اندوه فراوان درگذشت عموی گرامی شما
راتسلیت می‌گوئیم.
شورای پزشکان
حزب ملت ایران

پیام نوروزی امام خمینی

پاسخی در خور داده است. امام با این بیان اعلام میدارد که راه اسلام و ملت یکی است. این دو از یکدیگر جدایی ناپذیرند، و راه هر دو یکی است. راه اسلام راه ملت است، ملت مسلمان ایران میباید در راهی که مستقل از همه ابرقدرتهاست گام بردارد. ملت ایران در فراهم آوردن وسایل رفاه و سربلندی خود، به هیچ نیروی خارجی نمیتواند و نباید تکیه کند. انقلاب تا بقدر جهان گستر دارد، ملت ایران میباید با همه ملت‌های رنج‌دیده جهان همدلی و همداستی کند. برای آنکه مردم دل‌خسته جهان بتوانند در برابر ابرقدرتها پایداری نشان دهند چاره‌ای ندارند جز آنکه یکدیگر را در مصاف حیات یاری دهند. اگر هر کدام از جنبش‌های رهایی‌بخش جهان به تنهایی با زورمندان گیتی به ستیزه پردازد، در راه پیروزی خود با دشواریهای بسیار روبرو خواهد بود. و شاید هم هرگز به توفیق‌نهایی نرسد.

جنبش‌های رهایی‌بخش در کمک رساندن به یکدیگر و پشتیبانی کردن از هم، به قدرتی بسیار تواناتر از قدرت محدود خود دست می‌یابند و از همینرو است که امام اعلام میدارد که «اگر ما در محیطی در بسته بمانیم قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد.» ما باید همه جنبش‌های آزادبخش و همه مردم رنج‌دیده جهان را به پشتیبانی از خود برانگیزیم و خود به همه آنها یاری دهیم. امام به روشنترین بیان ممکن اعلام میدارد که «من بار دیگر پشتیبانی خودم را از تمام نهضتها و جبهه‌ها و گروه‌هایی که برای رهایی از چنگال ابرقدرت‌های چپ و راست می‌جنگند اعلام میکنم «باید این اصل را در حیات سیاسی و فکری خود جا دهیم که بسهم بستگی استقلال‌طلبان و آزادیخواهان جهان یکی از اساسی‌ترین و ثابق پیروزی آنهاست مبارزان نباید از یکدیگر بی‌خبر بمانند. جدا ماندن آنها از یکدیگر زمینه شکست و پریشانی

را فراهم می‌آورد. امام با این رهنمودها، ما را به اصل دیگری متوجه میسازد و خطری را که در کمین انقلاب ایران نشسته است آشکار می‌دارد. امام چنین هشدار می‌دهد «توطئه‌های شیاطین ضدانقلاب را برای باز کردن دست شرق و غرب در حال گسترش می‌بینم» این هشدار مسی باید همه دست‌اندرکاران را به خود آورد و آنان را آگاه سازد که خطری بزرگ سرنوشت انقلاب را تهدید میکند و میباید ایشان را برانگیزد «با تمام توان از آن جلوگیری نمایند» کار به دستن باید این هشدار امام را به دقت و سرعت در همه اندیشه‌ها و رفتار خود منعکس کنند. و باید در راه جلوگیری از توطئه‌های ضدانقلاب که هر لحظه گسترده‌تر میشود با تمام توان بکوشند. اگر دست‌اندرکاران این هشدار امام را با تمام وجود به موقع اجراء نگذارند، به خود و به تاریخ و به انقلاب ایران ضربهای هستی‌سوز وارد کرده‌اند. ضدانقلاب با بهره‌گیری از همه امکانش به توطئه و تلاش برخاسته است و هر لحظه که در پیشگیری از آن درنگ یا کوتاهی کنیم، ضربهای است که بر خود و بر همه جنبش‌های رهایی‌بخش وارد ساختیم.

امام برای رویارویی با توطئه‌های گوناگون ضدانقلاب درست‌ترین راهنماییها را به جا می‌آورد. امام از لزوم بازگشت امنیت به کشور و از لزوم تجهیز و تقویت و مردمی کردن قوای انتظامی سخن می‌گوید. امام تأثیر نظام قضایی عدالت‌گستر را یادآور میشود و می‌خواهد که «با صبر انقلابی به قضاوت بنشینند» معنای رهنمود امام آن است که از صدور احکام شتابزده اجتناب کنند و بر هر حکمی که صادر میشود به دقت غوررسی نمایند و همه اسباب و عوامل و دلایل بزهکاری را در نظر بگیرند تا مبادا مجازات معینه با عمل ارتکابی بی‌تناسب باشد. ابزار صبر انقلابی در قضاوت معنای آن دارد که نتایج و آثار احکام صادره راهم به دقت بسنجند، عدالت واقعی فقط از این مسیر قابل حصول است.

امام بعد از روشن ساختن مبانی استقرار امنیت، زمینه‌های حرکت و رشد اقتصادی را مورد نظر قرار می‌دهد و می‌خواهد که «اسباب کار و تولید برای دهقانان و کارگران و زحمتکشان» فراهم شود. اگر دولت و ارگانهای حکومتی به سرعت این رهنمود را به کار نیندند در پیشگاه امام و همه مردم مسؤول خواهند بود، بی‌کار و بی‌تولید گذاردن کشاورزان و کارگران گناهی است که به آسانی نمیتوان از آن گذشت. تمام شرایط و موجبات برای به کار گرفتن این نیروهای خلاقه فراهم است. هیچ عذر و بهانه‌ای از کار بدستان پذیرفته نیست. میباید برای همه کسانی که شوق کار و تولید دارند وسایل کار مهیا گردد.

امام نکته دیگری را در پیام خود مطرح میکند که یکی از اصلی‌ترین دشواریهای ما بعد از پیروزی انقلاب بوده است. این نکته اساسی عبارت از به جریان انداختن طرحهای سودمند متوقف شده و تنظیم و اجرای طرحهای تازه است.

امام خواسته خود را چنین مطرح میسازد «من نمیدانم دولت چرا طرحهای متوقف شده خود را که به سود ملت میباشد به کار نمی‌اندازد. باید دولت هر چه سریعتر طرحهای متوقف‌شده و جدید را به اجراء گذارد تا وضع اقتصادی کشورمان سروسامان یابد.» آیا بعد از این پیام دولت بازم اجرای طرحها را به تعلل و تسامح بر گذار میکند؟ آیا در جمع کاربدستان و برنامه‌ریزان کشور تاکنون در نزد خود این سؤال را مطرح کرده و جوابی به آن داده‌اند یا خیر. راستی چرا طرحهایی را که به سود همه است و اقتصاد مارا سامان می‌بخشد متوقف کرده‌اند، چرا در تهیه و اجرای طرحهای جدید باتمام نیرو تلاش نکرده‌اند. چرا اقتصاد کشور را به پریشانی کشانیده‌اند. ما امید بسیار داریم که این رهنمود اساسی و همه رهنمودهای امام مورد دقت و عمل قرار گیرد تا اقتصاد ایران در پرتو نظم و کار از پریشانی خارج شود. و امیدواریم که مطبوعات و دانشگاههای ما برراهی که امام نشان داده است راه اسلام و ملت گام بردارند.

جز ابطال انتخابات

انتخابات به پوته تعویق افتاد؟! ابتدا اعلام گردید که انتخابات در نیمه اول اسفند برگزار میگردد و چنان عجله‌ای در کار بود که مردم فرصت آن نیافتند که نمایندگانی را که باید بمجلس بفرستند بطور صحیح بشناسند و فرصت چنان کوتاه بود و نامزدهای نمایندگی در هر محل چنان زیاد که مردم بسرردگمی خاصی دچار گردیدند و فقط صحبت از این بود که با سرعت هر چه تمامتر باید سرانجام انتخابات معین گردد، رسانهای همگانی نقش فعالانای در انتخابات نداشتند و نامزدهای نمایندگی از حق صحبت و بحث و ارائه برنامه و شناساندن خود در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران محروم گردیدند، در این میان ناگهان انتخابات به نیمه دوم اسفند موکول و باشرایطی که همه میدانند بانجام رسید، خلاف کاریها و انحصارطلبی گروههای خاص، فریاد اعتراض مردم را بلند نمود و از هر شهر و دیاری گزارشهای مختلف در این باره رسید و همه جا دست انحصارطلبان در کار نمایان بود. شکایتها بالا گرفت شورای انقلاب باپافشاری و استقامت رئیس جمهور تازه انتخاب شده که وارث هزاران دشواری و نابسامانی بجامانده از «نظام سلطنتی» و دوران یکساله انقلاب میباشد، پذیرفت کمیسیونی جهت بازرسی و پیگیری خلاف کاریهای انتخابات مامور و برای رفع تبعیض و رسیدگی بوضع انتخابات قولها و وعده‌ها داد!!!!

ولی آنچه مشخص است تا دست گماردن و وابستگان گروه انحصارطلب از کار انتخابات

کوتاه نگردد، از این بازرسی‌ها و کمیسیونها نیز نتیجه‌ای همانطور که تاکنون مشهود است حاصل نمیشود، زیرا شدت خلاف کاری و دخالت در پاره‌ای از شهرها بعدی بود که مردم در همان روز رای گیری به نحوه آن اعتراض نمودند و تقاضای ابطال انتخابات را داشتند مانند شهرهای بزرگی چون مشهد و تبریز و شهرهای کوچکی چون شیروان، تربت‌جم، فریدن، ورامین و دهها شهر دیگر ولی تاکنون کوچکترین اقدامی در این مورد بعمل نیامده است.

گروه‌های انحصارطلب و سازشکار میکوشند بهر قیمتی که شده دست نشانگان و وابستگان خود را در مجلس شورایی مستقر و بسادر دست داشتن اهرم‌های قدرت بنظر و رای مردم کوچکترین توجهی نکنند کما اینکه کوشیدند باوجود مخالفت اکثریت مردم و بیشتر حزبها و گروهها و شخصیتهای سیاسی نظر خود را مبنی بر دو دوره‌ای بودن انتخابات که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی نشده بود بکرسی نشانند و عملی انجام دادند که با اصل احترام آزادی فردی و اجتماعی هیچوجه سازگار نیست در صورتیکه فقط در اصل ۱۱۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اکثریت مطلق تنها برای انتخاب رئیس جمهوری پیش‌بینی شده است و چنانچه نویسندگان قانون اساسی نیازی حس نمی‌نمودند برای انتخاب نمایندگان مجلس شورایی نیز این مسئله را پیش‌بینی میکردند چیزیکه در «مردم سالاری» مورد توجه میباشد، اینست که هر کس رای بیشتر آورد انتخاب میشود

فر خنده باد دوازدهم فروردین

بامداد خجسته «جمهوری اسلامی ایران» اعلام گردید در نظام جمهوری اسلامی ایران ویژگیهای فراوانی بچشم میخورد که در جمع همانطور که اشاره شد شکل و محتوای نظام را دربر میگیرد.

در شکل نظام، اداره‌کننده کشور از صورت فردی و سلسله‌ای و طایفه‌ای و خاندانی و گروهی بیرون میاید و جمهوری مردم یعنی اکثریت افراد جامعه شیوه حکومت و حکومت کردن را

بیمیدارند و نیز خود نیروهای کارساز را برمیگزینند عبارت دیگر با حاکمیت ملت و شرکت داشتن همه مردم در امر حکومت و اداره جامعه، نوعی دموکراسی (مردم سالاری) جدید نوید داده میشود.

محتوای نظام حکومت جدید مردمی «اسلام» جای دارد و این واژه یک صفت میان‌تهی و فریبنده‌ای نیست که بر واژه «جمهوری» اضافه شده باشد.

رهبر قاطع و با درایت انقلاب امام خمینی باتوجه کامل بر حقانیت عملکردهای هوشمندانه ملت ایران در پیوند با اسلام، در دادن نام «جمهوری اسلامی» به نظام جدید حکومتی تأکید فراوان داشتند و رهروان راه آزادی و استقلال ایران نیز با بینش و هشیاری تمام به خواست بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران پاسخ مثبت دادند.

مردمی که انقلاب خود را لطفاً ورق بزنید

آمده است؟؟؟ سخن کوتاه مسئله اصلی اینست که شتابزدگی قبلی برای برگزاری انتخابات و تسویق و کشش کتونی چگونه قابل تفسیر است!!! مگر نه آن بود که کلیه مراجع رسمی اعلام نمودند که در نیمه اول فروردین ماه دوره دوم انتخابات عملی خواهد شد و در اردیبهشت ماه مجلس شورایی کار رسمی خود را شروع میکند و با تشکیل دولت و مشخص شدن مسئولیتها مملکت از این بلا تکلیفی نجات خواهد یافت ولی سخنگوی شورای انقلاب و همچنین سرپرست وزارت کشور اعلام میدارند که دوره دوم انتخابات مجلس شورایی یکماه بتعویق خواهد افتاد و حتی اعلام گردید که کمیسیون بررسی تخلفات تا یکماه دیگر نظر خود را اعلام خواهد داشت و پس از آن تاریخ انتخابات دوره دوم تعیین میگردد، ناگزیر باید گفت دیگر پس است و شعور مردم را بیش از این بازی نگیرید!!!!

در شرایط کتونی میهن ما که نخستین مجلس شورایی از

اهمیت خاصی برخوردار است و با آنکه رهبر انقلاب بارها در پیامهای خود بسدان اشاره نموده‌اند و از دست‌اندرکاران درستی عمل در نحوه انتخابات را خواست‌اند شایسته بود که وزارت کشور با تمام امکانات و قدرت خود در این راه میکوشید نه اینکه با عملکرد خود باعث نارضایتی و اعتراض مردم گردد.

کنار رفتن سرپرست قبلی وزارت کشور پس از تسویق نزدیک بهفتاد استاندار و فرماندار و بخشدار و اعمال نظر کامل حزب جمهوری اسلامی و دادن جای خویش به یکی از هواداران برجسته این حزب که ریاست کمیته‌ها را نیز بعهده دارد، خود نمایانگر آنست که به راستی وزارت کشور در نظارت بر انتخابات مجلس شورایی بیطرفی کامل را حفظ نموده است!!!

بدون تردید انحصارطلبان آگاهانه یا ناخودآگاه میکوشند که با پایمال نمودن اصلت و ارزش واقعی مجلس شورایی که باید جایگاه نمایندگان واقعی و منتخب ملت باشد و با ایجاد تردید و ابهام در افکار عمومی

سردرگمی و وازدگی بر جو جامعه حاکم نمایند تا خود بتوانند اهرمهای قدرت را برای مدت بیشتری در دست داشته باشند.

طبیعی است وقتی خلاف کاریها در کنار هم و در یک بافت مربوط بهم بررسی شود خبر از یک توطئه و از یک جریان منفی در امر انتخابات مجلس شورایی میدهد.

حق اینست که رئیس جمهوری با مسئولیت قانونی که در امر انتخابات و حسن اجراء و هم‌آهنگ کردن همه قوای کشور دارد، قاطعانه تصمیم بگیرد و بعزت خلاف کاریهای انحصارطلبان و هزاران مدرک زندهای که در زمینه تقلبها موجود میباشد تصمیم بابطال انتخابات بگیرد و با اصلاح قانون ناقص کتونی انتخابات، مجلسی بوجود آید که گزینش نمایندگان آن با اکثریت نسبی و بدون هر تخلف انجام پذیرد و نمایندگان کلیه حزبها و سازمانها و شخصیتهای سیاسی مورد علاقه مردم بتوانند بمجلس راه یابند و آنجا را جایگاه تبلور اندیشه و اراده ملت سازند.

فرخنده باد دوازدهم فروردین

«اسلامی» میدانند و نظام جمهوری خود را با دادن صفت «اسلامی» از دیگر جمهوری‌های جهان ممتاز می‌دارند آیا دارای برداشتهایی تاریخی و چشمداشت‌هایی منطقی هستند یا خیر؟

به گمان ما، ملت ایران با شناخت و احساس و ایمان و طهارت کامل اخلاقی نظام حکومتی خود را انتخاب کرد و انگیزه‌های بنیادی آن از این قرار است.

الف- اسلام برای ایرانیان بگونه یک «سیستم» تجلی کرده است و بسان بسیاری از مذاهب قومی فقط در چارچوب باورهای ما بعدالطبیعی و آئین‌های عبادتی باقی نمانده است بزبان دیگر اسلام در پیوند با فرهنگ ایرانی و تمدن جهان شمول آن زندگی «خودی» را در تمام ابعاد آن فراهم آورده است بطوریکه بی‌ربطی با اسلام سیستمی، حیات ملی مردم ساکن ایران زمین، مفهوم فرهنگی و اجتماعی پیدا نمی‌کند.

ملت ما پس از یکدوره طولانی زیر سلطه همه‌جانبه بیگانگان بودن با پذیرفتن نظام جمهوری اسلامی، بخود آگاهی ملی دست میابد آسیب‌های «از خود بیگانه بودن» را می‌زداید. زندگی گسسته خویش را بازسازی میکند و انسانی میشود آزاد و ملتی میشود با فرهنگ و تمام خصیصه‌های اجتماعی آن.

ب- اسلام برای ملت ایران، مکتبی است که توانایی پایان دادن به همه ستم‌ها را دارد و می‌تواند نظام مبتنی بر عدالت را که از خواست‌های تاریخی مردم این سرزمین می‌باشد در جامعه برقرار سازد.

ملت ایران که قرن‌ها در نظامهای ستم و ستمگری زندگی کرده، دین اسلام را بدنیال قرن‌ها آموزش، دارای محتوای عدالت می‌داند و اعتقاد دارد که این دین دارای ماهیت ضدبیدادگری است که از لحاظ خارجی با هر نوع سلطه و استعمار دشمن است و به همین جهت به نظام جمهوری اسلامی، برای تامین و تضمین عدالت همه جانبه رای میدهد.

ج- مردمی که در سده اخیر با انواع ایدئولوژی‌ها کمابیش آشنائی یافته‌اند و یا در رابطه با شنیدنیهای خود، برداشتهایی فراهم آورده‌اند، تعلق خاطری به «دموکراسی» به شیوه غربیان ندارند چه در چارچوب آن، سرمایه‌داری و استعمار و امپریالیسم را بحاضر می‌آورند و بشیوه‌های سرچی از کشورهای توتالیترستی نیز، حاضر نیستند بعنوان جلوگیری از ستم‌های اقتصادی به حیثیت و حرمت انسانی آنان آسیب وارد گردد و شرایطی را پیدا کند که برادران هم‌حورشان بسا آن دست در گریبان هستند و به همین دلیل در

جمهوری اسلامی شعار بنیادمند نه غربی، نه شرقی را باز می‌یابند که بر اصل مختار بودن انسان مبتنی است.

د- ملت ایران با داشتن تعلقات آرمانی و تاریخی باد دیگر قومها و ملتها نظامی را می‌پذیرد که دارای پویایی اجتماعی و فرهنگی باشد نظام جمهوری اسلامی این ویژگی را دارد و در مرزهای استعمار ساخته اسیر نمی‌شود نظام پذیرفته شده از سوی ملت ایران قادر است زمینه سازسازیهای آینده را فراهم آورد و به انقطاع فرهنگی پایان دهد.

سرزمینهای پاره‌پاره شده ایرانیان بدنیال اعمال سیاستهای سلطه طلبانه و ویران سازموزنه مثبت، فرصتی می‌یابند تا در روند جدید حیات نوین‌یادی پیدا کنند. پاره فرهنگها در یکدیگر هم‌جوشی یابند و گسسته‌های اجتماعی در پیوند و ادغام ملی شکوه پیدا کنند و از مرزهای تاریخی نیز فراتر روند و نجات انسانهای مسلمان را در سرتاسر جهان هدف قرار دهند و بحکم آموزشهای رهائی بخش اسلامی، همه انسانهای روی زمین را با داشتن هر نوع عقیده و سلیقه و تعلق، آزاد سازد و سلطه و ستم را در همه سرزمینها نابود نمایند.

نظام جمهوری اسلامی پذیرفته شده از سوی ملت ایران نه متحجر است و نه منجمد و نه دارای پوسته ضخیم.

این نظام نوظهور در ابعاد ملی و منطقه‌ای و جهانی میتواند از آموزشها و آزمونهای همه قومها و ملتها در همه زمینها برخوردار گردد و بی‌آنکه تعصب و خامی نشان دهد و یا فریفته و مفتون تظاهرات مدنی و تکنولوژی دیگران شود، آنچه را که برای سازندگی جامعه آزاد شده و مستقل ایران بر بنیاد فرهنگی و ارزشهای اجتماعی و تاریخی ضرور میدانند پذیرا گردد و بخود پویایی دهد تا بتواند بگونه ملت نمونه جهان درآید نه برای سلطه یافتن بلکه برای زیستن در حریم حرمت انسانی و آزاد کردن همه آسیران جهان و همگام و انسانی زندگی کردن با همه فرزندان آدم.

ملت ما که به «جمهوری اسلامی» رای مثبت داد در نظام جدید خود چنین ظرفیت و توانائی را باز یافته بود و برآستی اعتقاد داشت که بدنیال درخشانترین انقلاب خونین خود خواهد توانست همه بندهای اسارت را پاره کند و بگونه انسانی ره‌اشده و آزاد کننده، پاسدار آزادی و عدالت و راستی باشد.

دوازدهمین روز فروردین‌ماه، پایان یکمین سال اعلام جمهوری اسلامی ایران است.

با اینکه بنیادهای این نظام و سازمانهای وابسته به آن استوار

نگریده است.

با اینکه نیروهای «ضدانقلاب» در پهنه جهانی و نیز در درون جامعه، در نابودی دست‌آوردهای «انقلاب» تلاش میکنند.

با اینکه ملت ما به برخی از آرزوهای خود رسیده است اما راستی در اینست که در یکسال گذشته قادر بودیم کارهای بزرگتری انجام دهیم و به خواستهای بزرگتری دست یابیم.

منطقی و پذیرفتنی نیست که خود را راضی سازیم و بیان داریم که پس از هر انقلاب نابسامانی‌هایی بوجود می‌آید.

کافی و قابل قبول نیست که همه نابسامانیهای کشور را فقط در رابطه با «ضدانقلاب» بدانیم.

درست و انسانی نیست که به جرم تحمل قرن‌ها زندگی در چهارچوب استبداد، همه آرمانهای مردمی را که خون دادند و جان باختند، اما تسلیم نشدند و حقانیت خود را ثابت کردند، از یاد ببریم.

شهامت داشته باشیم و به احترام شهیدان بخون خفته خود صداقت و دلیری نشان دهیم و لااقل «لمحهای» انقلابی عمل کنیم و اعلام داریم که از خود اگر نه «بی‌لیاقتی» بلکه «کم‌لیاقتی» نشان داده‌ایم و با کمال تأسف در یکسال گذشته که سال سازندگی‌های انقلابی بود، نتوانستیم پاسخگوی خواستهای باشیم که انقلاب از ما معصومانه طلب میکرد.

نیروهای اهریمنی نه «ضدانقلابی» بلکه «غیرانقلابی» را در میان خود جستجو کنیم. در میان کسانی که «ستولیان» انحصارگر عظیم‌ترین حرکتهای انسانی مردم میهن ما شده‌اند، «شورائی» که با «انقلاب» ملت ایران فرسنگها فاصله دارد.

کاربدستان ویران‌ساز، اگر در راه درست انقلابی و صراط مستقیم، که امام خمینی قافله سالار آن است قرار نگیرند، اگر بخود نیایند و رسالت تاریخی خود را در این واپسین روزهای «قدرت‌مداری»، در رابطه با خواستهای انقلابی مردم قرار ندهند بدانند که در طلیعه دومین سال جمهوری اسلامی ایران، ملت زیر ستم، یا خسته و نومید خواهد شد و به حالت شوم «بی‌تفاوتی» خواهد رسید که این خود آسیب بزرگی برای انقلاب در صحنه جهانی فراهم خواهد کرد و یا در یک بازشناسی سیاسی و دگرگون‌ساز، «ضدانقلابی» و غیرانقلابی را یکسان خواهد دید و بیک پیکار مجدد دست خواهد زد.

گمان اینست ملتی که «نظام آریامهری» را سرنگون کرد و در آموزشها و پیکارهای انقلابی حیثیت انسانی بسدست آورد، توانائی آن را دارد که نهضت خود را تا پیروزی نهائی تداوم بخشد.

دشواریهای دولت

غیر منطقی آن است و یا دست‌کم باید بسببیریم نظام اقتصادی-اجتماعی فارغ از همه منطقی‌های کلاسیک از منطق خاص خود پیروی می‌کند و منطق خاص او منطق دور و تسلسل است. در زمینه مورد بحث باید با روشنی و صراحت باز گو کنیم که برآوردن تقاضاهای فراوان و رنگین توده بیدار شده ایرانی مشعر بر بالا بردن سطح زندگی ایشان و این خود متکی بر کار سازنده ایشان است و از طرف دیگر کار سازنده ایشان بدون بالا بردن قبلی سطح زندگی آنان نمی‌تواند صورت بگیرد، گفتگو ندارد. می‌باید پیشاپیش زندگی توده ایرانی به سطحی بالاتر ارتقاء یابد و پس از این ارتقاء حد اکثر در جریان این ارتقاء ایشان را به کار سازنده دعوت کرد.

ایراد مقدر بر این جمله حکایت رشد اقتصادی غرب است.

در غرب کشاندن توده‌ها به کار سازنده قبل از ارتقا سطح زندگی آنان صورت گرفت. غرب در بنیان‌گذاری اقتصاد جدید خود امتیازهای بسیار بهره‌مند بود که همه آن امتیازها از ما و از همه کشورهای جهانی سوم دریغ شده است. تاریخ دشواریهای بسیار در برابر ما قرار داده است. غرب در شرایطی حرکت تاریخی-اقتصادی خود را آغاز کرد که توده‌ها انتظار سطح زندگی بالاتری را نداشتند. و علاوه بر این سرتاسر جهان میدان باز و بی‌مانعی برای بهره‌کشی غرب بود. قاره‌های پربرت آسیا و آفریقا و امریکا زمینهای گشاده‌ای برای سودجویی و زران‌دوئی غرب عرضه می‌داشت. غرب قرن‌ها و قرن‌ها همه جهان را از جمله توده‌های بی‌خبر خود را غارت کرد و به تراکم و تمرکز سرمایه پرداخت.

غرب در جهانی آغاز به کار و حرکت اقتصادی کرد که با جهان معاصر ما تفاوت بسیار دارد. شرایط تاریخی برای نشو و نمای اقتصادی غرب بسیار مساعد بود ولی این شرایط دردناک‌ترین محدودیتها را به ما عرضه می‌کند. تاریخ به ما ستم کرده است. تاریخ مواهب خود را از ما دریغ کرده است.

ما بازسازی کشور خود را باید در شرایطی بسیار ناگوار و نامساعد آغاز کنیم. ما نه فقط در بافت منطقی قدرت سازنده کشور با دشواری روبرو هستیم بلکه بافت تاریخی آنهم با ما سر ناسازگاری دارد. تاریخ و منطق هر دو ما را به ستیزه خوانده‌اند. ما باید به قدرت اندیشه خود و به دریافتهای عینی خویش نگاه کنیم و برغم تاریخ و منطق، بازسازی اقتصادی اجتماعی خود را آغاز نماییم.

کارگر بیمار هیچ توضیح منطقی و تاریخی را نمی‌تواند بپذیرد.

بر بیداری توده ایرانی است سخنی به میان نمی‌آوریم در گریه‌های صیادان انزلی چای کاران لاهیجان، و دختران دیسپلمه فسا بنده‌از سقوط رژیم گذشته را نشان می‌دهیم از اعتصاب‌ها و فشارهای کارگران و سرخوردگی‌های کارمندان در گوشه و کنار کشور یاد می‌کنیم. از اعتراضهای شدید مردم به گرانی در تهران و تبریز مثل می‌آوریم. واقعیت مسلم و تردید ناپذیر دوران ما بیداری توده ایرانی است.

بیداری توده‌ها و شرکت فعالانه آنها در حیات سیاسی و اجتماعی تقاضاهایی را به طور طبیعی به دنبال دارد. غیرممکن است که بیداری توده به طرح تقاضاهای تازه منجر نشود. این تقاضاها در زمینه مسکن-کار-آموزش-بهداشت و تغذیه است و در اساس، بیداری توده‌ها و درگیری آنها با نظام سیاسی، استحقاق طرح چنین تقاضاهایی را ایجاد می‌کند. مجموعه شرایط سیاسی و اجتماعی داخلی و خارجی نیز از حتمی بودن تقاضای توده ایرانی حکایت می‌کند.

توده بیدار شده ایرانی را نمی‌توان برای مدت‌های بسیار طولانی از برآورده شدن خواستهایشان محروم گذاشت. انتظار صبر بسیار از این گروه انتظاری است که با شرایط عمومی سازگاری ندارد. برای مدت کوتاهی می‌توان از توده‌ی ایرانی انتظار صبر و فداکاری داشت ولی برای مدت طولانی نمی‌توان این گروه را بدون برآوردن خواست‌های ابتدائی‌شان به کار سازنده واداشت. واداشتن این گروه به کار سازنده مستلزم بالا بردن سطح زندگی آنها است. گرچه بی‌گفتگو بالاتر رفتن سطح زندگی آنها مستلزم اجرای کار سازنده ایشان است، دشواری مسئله در همینجا است که کار عوامل اقتصادی اجتماعی متکی بر یکدیگر و منبعث از یکدیگر است. ساخت اقتصادی-اجتماعی در یک دور و تسلسل غیر منطقی فرو رفته است.

نظام منطق ارسطویی و یا منطق علی تازه حاکم بر ساخت اقتصادی-اجتماعی نیست. پدیده‌های اقتصادی-اجتماعی از نظام منطق ذهنی ما پیروی نمی‌کنند، ساخت آنها غیر منطقی است و برخورد منطقی با این نظام جز پیچیده‌تر کردن مسئله ثمری عاید نخواهد ساخت. پدیده‌های اقتصادی-اجتماعی را می‌باید در بافت غیر منطقی آنها شناخت و مورد عمل قرار داد. در سرتاسر حیات اقتصادی-اجتماعی این سنج بی‌منطقی شنیده شده است.

تکوشیم که به مسئله طرح‌شده پاسخی منطقی بدهیم، پاسخ منطقی ما هیچ گرهی از دشواریها باز نمی‌کند. تاریخ اقتصاد هم گواه ساخت

گرفته که به راستی در تاریخ بشر نظیری بر آن نمی‌توان یافت. شناخت ماهیت و ابعاد این دشواریها و بررسی راهها و وسایل برطرف کردن آنها و تهیه پیشنهاد و برنامه اجرایی در این زمینه یکی از پیچیده‌ترین کارهای فکری و علمی میباشد که تاکنون در برابر گردانندگان سازمانهای اداری قرار گرفته است. باید کار بدستان دولتی را به سهمگینی وظیفه‌ای که در برابر آنان است آگاه ساخت. باید همه کسانی را که مستقیم یا غیرمستقیم بر نظام اداری و اجتماعی ایران اثر می‌گذارند از پیچیدگی مشکل‌های کشور باخبر داشت. باید از همه صاحب‌نظران در بازشناسی مشکل‌ها و غلبه بر آنها یاری طلبید. بی‌اعتنا ماندن به دشواریها و یا آسان تصور کردن آنها ضربهای جان‌سوز بر هستی ملی ماست. باید در این زمینه آنقدر گفت و نوشت که همه کار بدستان از بزرگی و پیچیدگی دشواری آگاه شوند.

باید از یادآوری دشواری و اندیشیدن در باره آن و یافتن راه حل برای آنها دمی باز نایستاد.

ما وظیفه تاریخی سنگین خود را می‌شناسیم و گفتگو در این زمینه را آغاز می‌کنیم و همه تمهیدی را که در برابر ملت ایران و تاریخ ایران برعهده داریم به انجام می‌رسانیم.

ما کاربدستان راهشدار میدهیم و در حد میسر و مقدور راه غلبه بر دشواریها را باز گو می‌کنیم. با امید آنکه این یادآوری‌ها در سامان بخشیدن به نظام پریشان اقتصادی-اجتماعی ایران موثر افتد.

دشواریهایی را که در برابر نظام اداره کننده کشور وجود دارد ناچار به نحوی فشرده باز گو می‌کنیم.

توده ایرانی در شهر و روستا به راستی از خواب گران قرن‌ها بیدار شده است. گفتگو از بیدار شدن توده‌های ایرانی یک شعار سیاسی، یا یک برچسب تبلیغاتی و حزبی نیست. توده ایرانی بیدار شده است و به حیات سیاسی و اجتماعی گام نهاده است. توده ایرانی که قرن‌ها در پشت میله‌ها، زندگی قناعت آمیز خود را می‌گذراند و به نظام سیاسی و اجتماعی کشور بی‌تفاوت بود و نسبت به آنچه در کشور می‌گذشت حتی نقش تماشاچی را هم نداشت، اینک میله‌ها را شکسته و به میدان نبرد سیاسی و اجتماعی شتافته است. عوامل بیدار کننده توده ایرانی را نمی‌توان در این فرصت کوتاه باز گو کرد زیرا از گفتگوی اصلی خود دور خواهیم افتاد.

ولی در فرصت دیگری به این مسئله می‌پردازیم، این عوامل هر چه بوده است امروز ما با این واقعیت عظیم تاریخی روبرو هستیم که توده ایرانی بیدار شده است. از راه‌پیمائی‌های میلیونی که زنده‌ترین سند

باروری وجدان سیاسی کارگران

نهضت کارگری به تاخت و تاز بی مانع قدرتهای سیاسی و اقتصادی پایان می دهد.

نهضت کارگری همزاد جاودانی صنعت است. هر کجا صنعت قدم بگذارد، نهضت کارگری هستی می گیرد. تصور صنعت، بدون نهضت کارگری تصویری است باطل.

نهضت کارگری محصول بی واسطه، مستقیم و قطعی صنعت است. به هیچ طریقی نمی توان کارگری را از صنعت جدا کرد. هر تلاش برای فراهم داشتن صنعت بدون نهضت کارگری تلاشی است بی حاصل. ممکن است برای مدت کوتاهی با اعمال فشار یا خدعه یا پدید آوردن شیوه های انحرافی صنعت را از نهضت کارگری دور داشت نه ولی همه اینها دیری نمی پاید و نهضت کارگری خواه و ناخواه از درون صنعت می جوشد و می شکند و اوج می گیرد. نهضت کارگری محصول حتمی و قطعی و اجتناب ناپذیر صنعت است. صنعت از مغفانهای بسیار برپیش ارزانی داشته است نهضت کارگری یکی از فرخنده ترین آنها است.

نهضت کارگری، همراه با صنعت و برائش صنعت پدید می آید و با گسترش صنعت و نظام صنعتی وسعت می یابد و قدرت می یابد و وظایفی برعهده می گیرد صنعت کارگری از ذات صنعت سر می زند و در پیوستگی این دو به یکدیگر هیچ تردید و گفتگویی نیست ولی جلوه های نهضت کارگری همواره یکسان نبوده است. نهضت های کارگری شکل و شیوه عمل

ثابت و یک دستی نداشته اند. میدان عمل و مسائل مورد رسیدگی نهضت های کارگری نیز بسیار متفاوت بوده است. نهضت های کارگری به شرایط اقتصادی و فرهنگی و سوابق تاریخی محیطی که در آن رشد می کنند شیوه های عمل و نقطه نظرهای متفاوتی می یابند. مسائل داخلی کارگاهها، شرایط کار کارگران، گرایشها و رفتار مدیریت مسائل اقتصادی و اجتماعی، سیاستهای داخلی و خارجی کشور و حتی رویدادهای جهانی مورد توجه و علاقه نهضت های کارگری قرار گرفته است.

نهضت های کارگری گاه پرداختن به مسائل داخلی و صنفی را وظیفه اساسی خود دانسته و گاه استوار داشتن و رواج بخشیدن ایده تئولوژی خاصی را اصلی ترین نظرگاه خود قرار داده اند، نهضت های کارگری در پوشش های گوناگون سیاسی و اجتماعی جلوه کرده اند. گاه شور و گرمای انقلابی سوزاننده ای در فضای اجتماعی پراکنده اند و به ستیزه با همه روابط و شرایط اقتصادی- اجتماعی پرداخته اند و گاه با اعلام دل بستگی به رشد هم آهنگی با نظام اداره کننده کشور برخاسته اند و گاه فاغ از تمام مسائل اجتماعی اقتصادی کشور افزایش امتیازات و فراهم آوردن آسایش بیشتر اعضای خود را جستجو کرده اند.

نهضت های کارگری در هر پوشش سیاسی و اجتماعی که ظاهر شده باشند و هر شیوه عملی که برگزیده باشند و بر حیات اجتماعی- اقتصادی پیرامون خود هر اثری به جا گذاشته باشند، مفسر یک واقعیت تاریخی و بیان کننده یک اثر سیاسی اجتماعی نظام صنعتی می باشند. این واقعیت تاریخی و وجود یک نیروی مقاوم و تعدیل کننده در جامعه است.

نهضت کارگری به تاخت و تاز بی مانع صاحبان قدرتهای سیاسی و اقتصادی پایان می دهد. نهضت کارگری حالت سنتی قطعی شدن جامعه را به ستیزه می خواند و «فقر روز افزون» کارگران را مضمحل می سازد.

نهضت کارگری ارزشهای طبقه متوسط را مورد تردید قرار می دهد و ارزشها و روحیه و اخلاق و شیوه های تازه زندگی ارائه می دهد. نهضت کارگری سیر تاریخی سرمایه را زیر ضربه می گیرد و بر نظام متکامل جامعه های بشری تأثیری انکارناپذیر می گذارد. نهضت کارگری در برابر «فرهنگ سرمایه» ارزشمندی ارائه می دهد. «فرهنگ کار». در دوران این فرهنگ مایه های فکری تازه و درخشنده ای شکل می گیرد که رنگ خود را بر تمام زمینه های حیات اجتماعی و سیاسی پخش می کند.

فرهنگ کار در نظام اخلاقی جامعه قدرتهای تازه ای پدیدار می سازد. روشنفکرانی که نخواهند توانائیهای فکری خود را در درون «فرهنگ سرمایه» تساه و مضمحل سازند در «فرهنگ کار» برای خود و برای ارزشهای

فکری خود تکیه گاهی محکم به دست می آورند. «فرهنگ کار» پناهگاه آزاداندیشانی است که نمی خواهند، قدرت فکری خود را در «فرهنگ سرمایه» مستحیل و بی اثر کنند. «فرهنگ کار» زمینه دلپذیری برای بازآوردن وجدان سیاسی هر جامعه فراهم می سازد. «فرهنگ کار» در روند تاریخی زندگی ملتها جایگاهی والا و سهمی گران بها دارد. «فرهنگ کار» بطور مستقیم نتیجه گسترش نهضت کارگری است. نهضت کارگری در مسیر تاریخی خود در تنگنای خواسته های رفاهی کارگران محبوس نمی شود. نهضت کارگری یکی از عوامل اساسی شکل دهنده جامعه های تراز نو در جهان ملتهاست. نهضت کارگری علاوه بر همه آنچه گذشت، یکی از زنده ترین و کارآمدترین وجوه دینامیزم اقتصاد صنعتی است. نهضت کارگری یکی از تواناترین عوامل به حرکت درآورنده چرخ اقتصاد صنعتی است.

نهضت کارگری با اصرار بر افزایش رفاه کارگری و با کوشش در بهتر شدن مجموعه شرایط کار، زمینه افزایش قدرت تولید را فراهم می آورد. و با پافشاری بر توزیع عادلانه تر درآمدهای صنعتی، افزایش قدرت خرید همگانی را تدارک می بیند. و از رهگذر افزایش قدرت خرید همگانی

رونق اقتصادی را پدیدار می سازد. بی هیچ تردید و بی هیچ گفتگو یکی از عوامل اساسی پدید آورنده رونق و پیشرفت های اقتصادی بعد از جنگ جهانی دوم نیرومندی و گسترش نهضت کارگری در حرکتهای اجتماعی ملتهاست.

بدون شناخت درست و دقیق این نهضتها شناخت دنیای معاصر غیرممکن است. باید نهضت کارگری را در درون هر جامعه با همه ابعاد و زمینه های گوناگون آن شناخت و در هر برنامه ریزی اجتماعی، اقتصادی آن را به عنوان یک عامل اساسی مورد ملاحظه و محاسبه قرار داد. همه دست اندرکاران مسائل اجتماعی- اقتصادی، و همه دولت مردان و همه دوستداران گفتگوهای اجتماعی و سیاسی می باید با جلوه های گوناگون نهضت کارگری و با چگونگی پدید آمدن و رشد کردن آن و همچنین با چگونگی اثر گذاری آن بر مجموعه شرایط اجتماعی- اقتصادی کشور آشنا باشند؛ و هر برنامه درازمدت یا کوتاه مدت که برای سامان بخشیدن به دشواریهای اقتصادی- اجتماعی طرح ریزی می کنند، می باید نهضت کارگری و ظرفیت و قدرت اجتماعی و اقتصادی آن را با درستی و راستی به حساب آورند. همه محاسبات اجتماعی و اقتصادی بدون در حساب آوردن نهضت کارگری محکوم به شکست است با شناخت اهمیت و دامنه آثار نهضت کارگری اینک هنگامه آن است که نهضت کارگری را بشناسیم.

نهضت کارگری پیوند سازمانی کارگران است. همه انواع پیوندهای سازمانی

کارگران، در اقتصادهای صنعتی یا نیمه صنعتی هستی دهنده نهضت کارگری و خود نهضت کارگری است. نهضت کارگری در بیان ساده تر، اتحاد پایدار کارگران است: نهضت کارگری در بیان علمی تر عبارت است از درهم تنیدگی قدرت فردی هر کارگر در مجموعه شبکه سازمانی همه کارگران است. تنها ماندن هر کارگر در حیات اجتماعی و سیاسی به معنای بی حاصل گذاردن نیروی او و به معنای قراردادن وی در معرض بهره کشی ظالمانه نظام سرمایه است. نهضت کارگری عبارت از بیرون کشیدن کارگران از دنیای تنهایی ایشان و پیوند دادن قدرتهای پراکنده آنان به یکدیگر است.

پیوند دادن قدرتهای فردی کارگران به یکدیگر می باید در متن یک نظام سازمانی پایدار و در لوای هدفهای روشن و قابل اجراء صورت گیرد، نظامها یا شبکه های سازمانی پایدار و بدون هدفهای روشن نهضت کارگری را به ضعف و پراکندگی می کشانند. این ضعف و پراکندگی پایدار نتواند ماند و به اقتضای ساخت درونی اقتصاد صنعتی به زودی کارگران بر نارسائیهای سازمانی خود غلبه می کنند و شبکه سازمانی اصلی که بیان کننده اتحاد آنهاست پدیدار می سازند. هر کوشش برای پراکنده داشتن کارگران و برای درهم شکستن اتحاد سازمان یافته ایشان کاری است زیان بخش و با دست کم بیهوده. شکل گیری سازمانی کارگران، نتیجه حتمی و اجتناب ناپذیر اقتصاد صنعتی

یا نیمه صنعتی است. و اجتناب از آن غیرممکن است.

هر توضیحی برای او بی حاصل است. به او باید دارو پزشکی و دستمزد ایام بیماری و بیکاری عرضه کرد. گروه های عظیم بی کاران و بی خانمها توضیح منطقی و تاریخی را نمی پذیرند، آنها کار و خانه می خواهند.

انبوه عظیم کودکانی که آماده مدرسه رفتن می شوند مدرسه و کتاب و وسیله رفت و آمد می خواهند، هراسندال منطقی و تاریخی در برابر خواست انسانی و مشروع آنها بی نتیجه است. و هر قدر استدلالها محکم و متین باشد باز هم بی نتیجه است. آشکارا در یابیم و باور بیاوریم که تاریخ و منطق هر دو بر ما ستم کرده اند. ما در چنبر تاریخ و منطق گیر کرده ایم.

تاریخ و منطق همواره بر عدل و انصاف راه نرفته اند. این دو گاه و بی گاه ستمها کرده اند. این هر دو از ستمکاران بزرگ اند و بزرگترین ستم را بردولت آینده اسیران روا داشته اند. دولت آینده ایران به معنای دقیق کلمه زیر ضربهای ستم آمیز تاریخ و منطق

است. بردولت آینده ایران محدودیتهای بسیار بار شده و از سوی دیگر انتظارهای شگفت از این دولت پرورده شده است. دولت آینده ایران باید به انتظارها پاسخ دهد، پاسخی عملی و اجرائی دولت آینده ایران نمی تواند به استناد محدودیتهای خود از برآوردن نیازهای اولیه مردم سرباز زند. هیچ استدلالی از دولت آینده ایران پذیرفته نیست. تنها یگانه در برابر دولت آینده ایران گشوده است و آنهم برآوردن خواسته های توده های بیدار شده ایرانی و بالا بردن سطح زندگی آنها.

اجرای این مسئولیتها به توانائیهای بسیار نیاز دارد. اجرای این مسئولیتها قدرت اندیشه های فوق عادی و ظرفیت عصبی و عاطفی بی پایان می خواهد از هم اکنون هشدار می دهیم. همه آنان را که سودای شرکت در دولت آینده ایران را دارند آگاه می کنیم که دولت آینده ایران در غرقابی مهیب و در مهلکهای پرنهیب است. آنان که همه توانائیهای لازم

برای درگیری با امواج مردافکن را دارند به این میدان رو نهند و گرنه زحمت خویشتن می دهند و از حاصل کارشان زردروسی می برند.

دولت آینده ایران نه فقط در زیر ضربهای تاریخ و منطق است که بافت سیاسی کشور هم چنبر دیگری بر آن است.

منسوج سیاسی ایران کنونی از تار و پودهایی بافته شده است که قدرت قانونی و فرصت عملی کار را به بیشترین حد ممکن محدود می سازد. بنیان های اساسی و فضای سیاسی ایران بر مبنای شرایط کلاسیک فراهم آمده است، ولی شرایط عمومی و فضای اقتصادی- اجتماعی حاکم بر کشور با شرائط کلاسیک تفاوتی بسیار دارد. دولت آینده ایران در شرایطی کاملاً غیر عادی می باید محدودیتهای فراوان نظام کلاسیک را پذیرا باشد. دولت آینده ایران باید در چارچوب محدودیتهای شگفت به خواسته های بسیار سنگین و رنگین پاسخ مثبت دهد. به راستی دولت آینده ایران در غرقابی مهیب و مهلکهای

پوژ نهیب است.

پاسخ دادن به نیازهای فوری توده بیدار شده ایرانی، سرنوشت محتوم دولت آینده ایران است. ادای پاسخ به این نیازها با هیچ برداشت کلاسیک و شناخته شده ای ممکن نیست. ساخت اقتصادی- اجتماعی ایران در شرایطی خاصی قرار دارد و این شرایط خاص، دشواریهای تازه و خاص در راه دولت آینده ایران می نهد.

جمعیت ایران به هنگام آغاز سلطنت دودمان پهلوی از هشت میلیون نفر کمتر بود و ساکنان همه شهرهای ایران تنها به دو میلیون نفر نمی رسید. قدرت کشاورزی ایران با بهره برداری از منافع فراوان طبیعی مسئول خوراک جمعیتی حدود دو میلیون نفر بود و در مصرف این دو میلیون نفر هم اندک، نوع تغذیه ایشان ساده تر و سایر نیازهایشان بسیار محدودتر بود. اینک شمار شهرنشینان ایران از هجده میلیون نفر بیشتر و نیازهای ایشان زیاده تر و خوراکشان رنگینتر است اما کشاورزی ایران در استخوانبندی خود تغییر اساسی نکرده است،

شیوه ها و قدرت آبیاری اگر کاستی نیافته باشد، فزونی در خوری نگرفته است. آن کشاورزی که برای فراهم آوردن نیاز و خوراک ساده و محدود دو میلیون نفر بود می باید نیاز و خوراک رنگین هجده میلیون نفر شهرنشین را پاسخ بدهد. هرگاه از کشاورزی ایران گفتگو می کنیم باید بدانیم که ساخت اساسی و بنیادی کشاورزی ایران برای پاسخگویی به این تقاضای سرازیر شده به بازار نبوده است و نیز باید بدانیم که پدید آوردن اندک بهبود در وضع تغذیه توده بیدار شده ایرانی که ناگزیر می باید صورت گیرد- چنان تقاضای به بازار خوراک سرازیر خواهد کرد که همه ای انتظام بازار فرآورده های کشاورزی را یکباره پریشان خواهد ساخت.

انتظام ناقص و لرزانی که در بازار فرآورده های کشاورزی دیده می شود بریک مبنای غیر انسانی تکیه دارد. این مبنای گرسنه نگاه داشتن میلیونها توده شهرنشین ایران است. که بی شک دیگر، این گرسنگی جان گذار را تحمل نخواهد کرد.

وما به عنوان فرزندان وفادار مردم ایران که همپای توده و در میان آنها زندگی می کنیم، نیز ادامه نظام گرسنگی رانمی پذیریم. رژیم ساقط گذشته بامرز بندی غریب و عجیب اجتماعی، خیال عظیم گرسنگان ایران را از حیات سیاسی و اجتماعی برکنار داشته بود.

این مرزبندی اینک بهم ریخته است. گرسنگان به حیات اجتماعی و سیاسی آمده اند و خوراک می خواهند. نظام گذشته ایران نظام گرسنگی بود و فرهنگ آن فرهنگ گرسنگی. مابین نظام و این فرهنگ راباز خواهیم شناساند، و مردم ایران و جهان را بر آنچه در پنجاه سال بسرما گذشته است آگاه خواهیم ساخت و ملی دولت آینده ایران باید به طعن دشواری پاسخ بدهد، پاسخی سریع و روشن و قطعی. ادای این پاسخ آسان نیست ولی این فقط یک گوشه از دشواریها است. در زمینه های مسکن- کار- آموزش بهداشت دشواریها از اینهمه فزونتر است و مبادر باره هر کدام هشدار خواهیم داد.

از خبرهای هفته

بدنبال حمله روزنامه جمهوری اسلامی به برنامه‌های نوروزی رادیو تلویزیون و اعلام پشتیبانی بعضی از گروه‌های اسلامی که این برنامه‌ها را مبتذل و غیراسلامی خوانده‌اند، جمعه گذشته امام جمعه تهران نیز در مراسم نماز جمعه از برنامه‌های نوروزی رادیو تلویزیون شدت انتقاد کرد.

وی در بخشی از سخنان خود گفته است: همانطور که امام اهدت فرمود رادیو تلویزیون باید مدرسه و دانشگاهی برای همه مردم باشد من به عنوان تکلیف شرعی لازم میدانم این هشدار را به برادران مسلمان متعهد و مسئولی که در راس اداره دستگاه رادیو تلویزیون قرار دارند بدهم که برنامه‌های این چند روز برنامه‌های مناسب یک انقلاب نبود.

برنامه‌های ما کلاً بر برنامه‌های آن ملتی نیست که میخواهد انقلابش را برای ملت‌های دیگر تبلیغ کند و تشریح کند. برنامه‌هایی نیست که مردم، مشتاق، تشنه و حتی محتاج آن هستند و ملت انقلابی که بانی‌رو اسلام انقلاب کرده است باید رادیو تلویزیونش پیام آور زنده‌ترین اندیشه‌های اسلامی باشد...

در پی انتقاد شدید امام جمعه تهران صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران بایخش نظریات گروه‌های مختلفی از مردم درباره برنامه‌های نوروزی رادیو تلویزیون بطور ضمنی به اعتراض و انتقاد امام جمعه تهران پاسخ داد.

در این برنامه گزارشگر رادیو تلویزیون باحضور در قسمتهای مختلف جنوب و شمال تهران از مردم درباره برنامه‌های نوروزی تلویزیون سوال کرد و بیشتر مردم برنامه‌ها را تأیید کردند و بخصوص از بعضی برنامه‌ها مثل برنامه کودک، سیاه بازی و فیلم‌های سینمایی ابراز رضایت نمودند قسمت جالب‌تر این برنامه بخشی بود که گزارشگر رادیو تلویزیون در میان خطبه نماز امام جمعه تهران یکی دو تن از نمازگزاران را جویا شد و آنها نظر موافق با برنامه نوروزی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران دادند.

بهرحال این مسئله زیاد مهم نیست که برنامه نوروزی رادیو تلویزیون مبتذل بود یا نه مسئله مهم اینست که در این گیرودار اوضاع سیاسی مملکت مردم احتیاج دارند چند ساعتی از روز یا هفته را فارغ از هزاران اندیشه و اخبار ضد و نقیض و فشارهای عصبی ناشی از اوضاع نابسامانی کشور بسربرند و در این راه تنها رادیو تلویزیون میتواند این آرامش و سرگرمی را به آنها بدهد. ما در اینجا نمیخواهیم هیچگونه اظهار نظری راجع به برنامه‌های نوروزی رادیو تلویزیون کنیم ولی استقبال و تأیید مردم خود گواه این است که آنها به برنامه‌های سرگرم کننده و تفریحی احتیاج دارند بی آنکه از خط بنیادهای فکری انقلاب بدور افتند.

در خبرهای هفته پیش آمده بود که قیمت مصالح ساختمانی در بازار افزایش یافته است بموجب این خبر قیمت آجر فشاری نسبت به دو ماه قبل پنجاه درصد ترقی کرده و اکنون هزاری ۷۰۰ تا ۸۰۰ تومان قیمت‌دار دباین ترتیب هر دانه آجر فشاری حدود ۷ یا ۸ ریال برای مصرف‌کننده تمام میشود.

این اولین بار نیست که این ارقام وحشتناک وسیله روزنامه‌ها اعلام میشود. سالهاست که مردم ایران به این ارقام عادت کرده‌اند و غول گرانی و افزایش قیمت‌ها را با بردباری در کنار خود تحمل میکنند، غولی که هر لحظه بزرگتر و بزرگتر میشود.

اگر بیاد بیاوریم در «نظام آریامهری» دهها کمیته و اطاق اصناف و گروه ضربت درست شد و صدها بخشنامه و تصویبنامه و قانون صادر گردید تا بخیال خود جلوی گرانی و افزایش قیمت‌ها را بگیرند و هزار افسوس که در زمان بعد از انقلاب هم همین روشها ادامه داشته و حتی شلاق هم به آن اضافه شد بی آنکه کاری از پیش برود.

اکنون دیگر باید به این نتیجه رسید که تهدید به شلاق و زندان و حتی تبعید هم هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد تنها حرف زدن و شعار دادن و متوسل شدن به روشهای غیر عملی نمیتواند این غول را به زانو درآورد.

نخستین روز بازگشائی مدارس بعد از تعطیلات نوروزی با خانه‌نشینی دانش‌آموزان و بیشتر آموزگاران و دبیران و عدم حضور آنها در سر کلاس درس همراه بود. آنطوریکه از صحبت‌ها برمیآید تا بعد از سیزده نوروز شاید هم تا روز شانزدهم فروردین مدارس سر و سامانی نخواهد داشت.

بطور کلی معلوم نشد که شورای انقلاب و وزارت آموزش و پرورش روی چه اصلی به این سیاست لجبازانه با دانش‌آموزان دست زدند و چه هدفی را از برنامه کاهش تعطیلات نوروزی مدارس دنبال میکردند آیا وزارت آموزش و پرورش هیچ برنامه مهمتری نداشت که اینهمه وقت خود و دانش‌آموزان را صرف کند و تعطیلی مدارس را بجای ۱۳ یا ۱۵ روز به یکماه و بیشتر بکشاند و آنها را همراه با اعتصاب و تحریک و دست‌آورد هم اعلامیه و اطلاعیه صادر کند و از والدین برای ترغیب فرزندان‌شان به حضور در کلاس‌ها استمداد کند و بعد هم تهدید کند که اگر دانش‌آموزان در مدرسه حاضر نشوند چنین وچنان میکنیم و حتی حکم به اخراج آنها خواهیم داد.

انحصارطلبی در بحث آزاد!

به دنبال اطلاعیهی «دفتر بحث آزاد صدا و سیمای جمهوری اسلامی» مبنی بر تشکیل میزگرد برای بحث پیرامون مسایل و مشکلات و نحوه‌ی رای گیری انتخابات مجلس شورای ملی، که در تاریخ هفتم فروردینماه ۱۳۵۹ در روزنامه‌های کیهان و اطلاعات درج شده بود، حزب ملت ایران با فرستادن نامه‌ی زیر، اعتراض خود را نسبت به این انحصارطلبی چنین اعلام کرد: «حزب ملت ایران اعتقاد دارد، چنانچه این میزگرد برای بررسی واقعی اشکال‌ها و نظرخواهی از مردم تشکیل می‌شود و انحصارطلبی خاصی مورد نظر نیست، باید همه حزب‌ها و سازمان‌های سیاسی که در انتخابات نامزد نمایندگی داشته‌اند در آن شرکت جویند و آمادگی خود را نیز برای فرستادن نماینده به این میزگرد اعلام میدارند.»

جالب اینکه «دفتر بحث آزاد صدا و سیمای جمهوری اسلامی» حتی از پذیرش نامه اعتراض حزب ملت ایران خودداری کرد و بدینسان نشان داد که میزگرد جز یک خیمه‌شب‌بازی دردست انحصارطلبان نیست.

فراخوان

روز دوازدهم فروردین، روز جمهوری اسلامی ایران فرامیرسد، چنین روزی را آنگونی درخور باید که نمایانگر چیرگی حق بر باطل باشد.

رئیس جمهور کشور جمهوری اسلامی ایران برای بزرگداشت این روز از همه مردم خواسته است تا آنرا در سراسر کشور به روز پرشکوه و وحدت خود بدل کنند و همه گروه‌های سیاسی مرزها و فاصله‌ها را در هم شکنند.

حزب ملت ایران که همواره به اتحاد بزرگ برای پاسداری از دست‌اوردهای انقلاب، اعتقاد راسخ داشته است به پیروی از دعوت رئیس جمهور از همه زنان و مردان ایران زمین، از همه حزب‌ها و از همه گروه‌های اجتماعی میخواهد همه باهم به کوشش برخیزند و این روز فرخنده را، روز نمایش «همبستگی ملی» بسازند و در برنامه‌های پیش‌بینی شده برای راه‌پیمائی و گردهم‌آئی بنهیج نشان ویژه‌ی شرکت جویند.

شنبه نهم فروردین ماه ۱۳۵۹

دبیرخانه حزب ملت ایران

خبرهای حزبی

به مناسبت آغاز سال ۱۳۵۹ از سوی دبیرخانه حزب ملت ایران تلگراف شادباش به پیشگاه رهبر انقلاب اسلامی ملت ایران مخابره شد که متن آن چنین است.

بنام خدا
رهبر انقلاب اسلامی ملت ایران امام خمینی
وابستگان حزب ملت ایران، آغاز سال نو دومین بهار رهائی از بند بدنهادان سیه‌کار، دومین فصل شکوفایی شکوفه‌های امید به زندگی انسانی و دومین نوروز انقلاب اسلامی ملت ایران را به پیشگاه آن یکتا رهبر، آن تسلیور خواستهای تاریخی ایرانیان شادباش میگویند و از درگاه خداوند بزرگ میخواهند سالیان دراز وجود سرشار از مهر و برکت آن حضرت بدور از هر گزند باقی و مایه دلگرمی و همبستگی و نیرومندی مردم ایران زمین در راه پرفراز و نشیبی که در پیش دارند، باشد

نوروز ۱۳۵۹ هجری خورشیدی دبیرخانه حزب ملت ایران

دیدار نوروزی

از ساعت ۱۶ تا ۲۰ روز جمعه یکم فروردین ماه دیدار نوروزی وابستگان حزب ملت ایران و خانواده‌هایشان در تالار سخنرانی حزب برگزار شد در این دیدار که باحضور دبیر حزب انجام شد سفره هفت‌سین سنتی مزین به کلام اله مجید جلب توجه میکرد.

دیدار با مراجع عظام و پیشوایان مذهبی

روز شنبه دوم فروردین ماه دبیر حزب به‌همراه شماری از کار بدستان حزبی به قم رفت و ضمن دیدار با حضرات آیات عظام گلپایگانی - شریعتمداری - نجفی مرعشی و روحانی و با حضرت آیت‌الله پسندیده و سپس حضرت آیت‌الله اشراقی، فرا رسیدن سال نو را به آنان شادباش گفتند.

نامزدهای حزب برای نمایندگی مجلس شورای ملی

باوجود مشکلات و موانعی که در انتخابات مرحله اول بر سر راه بسیاری از نامزدهای نمایندگی به ویژه نامزدهای حزب ملت ایران در سراسر کشور ایجاد شد و پرونده متعدد شکایت از چگونگی برگزاری آن در جریان است تاکنون دو تن از نامزدهای حزبی به مرحله دوم انتخابات راه یافته‌اند، این دو تن دکتر عباس خاقانی از محلات و ابراهیم اقبال از کرمانشاه هستند

برنامه سیزده بدر

از سوی حزب برنامه سیزده بدر خانوادگی همزمان تدارک دیده شده است که به‌همراه خانواده‌شان بگرد هم این سنت دیرین را در باغی یا صفا برگزار نمایند.

ورزشی

«گل»های پیروزی



شود.

بچه‌ها افتخار آفرینند، زیر آوار فریادهای مردمی که تیم خود را تشویق می‌کردند چنان خونسرد و مسلط بازی کرد که تماشاچی‌ها را ناچار به هورا کشیدن و کف زدن کردند.

بچه‌ها بردند، همه‌ی بازی‌ها را بردند و سربلند به ایران بازگشتند. این نخستین بار بود که پرچم ایران آزاد شده از بند استعمار در میدانی بدوش کشیده می‌شد. بانثار هزاران گل بسوسه بردست‌های عزیزی که پرچم ایران را می‌کشید، راستی که بچه‌ها

است مردم هم چنان دچار نابسامانی‌ها و دلهره‌های ناشی از گرانی و کمبودها بودند که خبر کوچک روزنامه‌ها توجهشان را جلب نکرد ولی پیروزی تیم از آن بزرگتر بود که در فضا گم

چند ده هزار تومانی نگرفتند و حتی تلویزیون هم رفتنشان را به نمایش گذاشت بی صدا رفتند و شاید بی صدا هم بازگشتند، زیرا که هنوز ورزش جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده

تیم فوتبال میهن ما بسا پیروزی درخشان و چشمگیر خود در دومین بهار آزادی، گلخنده‌های افتخار و سربلندی آفرید، بچه‌های عزیز تیم که برخلاف گذشته «سراهی»